دکتر فاطمه موسوی ویایه، دکترای جامعه‌شناسی، دبیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی، تخصص تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی جنسیت در گفت‌وگو با «شرق»

انسان مدرن تبعیض را نمی‌پذیرد

یکی از اصول مسلم در آیین اسلام، حرمت و کرامت انسان است. جان، مال، آبرو، عقیده و رای آدمی همه حرمت دارند و باید همواره این حریم پاس داشته شود. در حرمت و کرامت انسان، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و در فرهنگ اسلامی، زن و مرد به‌عنوان مخلوقات خدا و مورد عنایت ویژه او هستند. افتخار نظام حقوقی اسلام آن است که از همان ابتدا زنان را دارای حقوق اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، قضائی و عبادی شناخته است و با در نظر گرفتن مهریه، نفقه و... حقوق مادی و معنوی زن را در نظام خانواده تأمین کرده است؛ زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی در حقیقت و ماهیت زن و مرد نیست. در آیات قرآنی نیز هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن به میان می‌آید، زنان را نیز هم‌دوش مردان مطرح می‌کند. با دکتر فاطمه موسوی ویایه، دبیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی، در مورد کفتمان اسلامی درباره زن گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

◆ با این تحلیل شروع کنیم که کفتمان اسلام درباره زن چیست؟

کلمه اسلام این‌گونه اگر ادا شود، کلی است. باید مشخص کنیم مقصود از اسلام چیست. آیا منظور از اسلام فقط متن و نص قرآن، کتاب مقدس مسلمانان است؟ آیا سنت و سیره نبوی برآمده از روایات مدنظر است؟ یا منظور فقه است و آنچه فقها به‌عنوان احکام گفتند و مشهورات بین فقها و اینکه شهید اول، شهید دوم و صاحب جواهر و... چه حکمی می‌دهند؟ گاهی هم منظورمان از اسلام یعنی سنت و آنچه مسلمین در طول تاریخ انجام دادند. وقتی می‌گوییم اسلام باید مشخص کنیم دقیقا منظورمان چیست؟ درباره جایگاه زن در قرآن یا در اسلام و سیره نبوی نویسندگان مختلف نظرشان را نوشته‌اند که تفسیر شخصی آنهاست و نقد و بررسی‌اش در تخصص من نیست. من از منظر تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی جنسیت به موضوع می‌پردازم.

◆ نسبت زن و فقه در طول تاریخ اجتماعی زن چه بوده است؟

پیش از هر چیزی باید به معنای فقه بپردازیم. فقه دانشی برای مظهرگردن و ساماندادن به روابط اجتماعی است. نوعی قانون که نظم اجتماعی موجود را برهم نمی‌زده و به مسائل به فراخور زمانه و پذیرش مقلدان پاسخ می‌دهد. فقه مانند هر دانش دیگری از زمینه اجتماعی زمانه خود تاثیر بسیاری گرفته و در بحث تاریخ اجتماعی به این زمینه اجتماعی بیش‌ازحد و الزاماتش توجه می‌شود و البته بخش مهمی از نظم اجتماعی بحث نظم جنسیتی است که هنجارهای رفتاری دو جنس در حوزه‌های مختلف فرهنگ و آموزش، قدرت و نظام حقوقی، بازار کار و روابط عاطفی و جنسی را شامل می‌شود.

◆ برخی فقها بر فرودستی جنسیتی زنان اتفاق نظر داشتند. چیزی شاید شبیه آن چیزی را که امروز تحت عنوان مردسالاری از آن یاد می‌کنیم. به‌عنوان قاعده قدرت بودند و بر اساس این احکام فقهی را سامان می‌دادند. این مسئله ریشه جامعه‌شناسی دارد یا دینی؟

پذیرفتن فرودستی زنان از منظر دینی فقط مختص اسلام نیست و تقریبا تمام ادیان چنین باوری داشتند. تحقیقات مختلف باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در چهار هزار سال اخیر، در همه جوامع و فرهنگ‌های گوناگون، یک کدپوشش نظم جنسیتی مبتنی بر مرد برترانگاری و فرودستی زنان است. نوعی تقسیم کار جنسیتی در خانواده وجود دارد که فرزندپروری و امور خانه‌داری را کار زنان می‌داند و امور بیرون از خانه به عهده مردان است. گوران تربورن، استاد دانشگاه کمبریج، در مقاله‌ای درباره انواع خانواده علت مالکیت مقابل مردان را متمایز می‌کند و این انواع خانواده در زمینه مفهوم ازدواج، انحصار روابط جنسی در ازدواج، چندهمسری و جایگاه فرزندان حاصل ازدواج‌های مختلف، نوع ارثبری فرزندان، پیوند با سلسله خویشاوندی و جایگاه و استقلال زن نقش دارند، اما همه آنها کدپوشی بسیار مردپرانگار هستند.

◆ درباره مفهوم زن در بافت خانواده و همچنین الگوهای خانواده بیشتر صحبت کنیم.

اصولا خانواده در جوامع کشاورزی سنتی و پیشاصنعتی، خانواده گسترده و پدرسالار است که با شبکه خویشاوندی و اجتماع محلی احاطه شده و فرزندان زیاد بودند در چارچوب منافع خانواده خواست برد عمل نداشت و او برایشان تصمیم می‌گرفت که با چه کسی ازدواج کنند. در این الگوها، زن در جایگاه دوم قرار داشت و کاملا تابع پدر خانواده بود. نه انقلاب صنعتی در اماکن عمومی به نشانه تحمل و جایگاه اجتماعی برجسته خود لباس بلند و پوشیده، برخورد کرده و شروع به پوشیدن لباس زنانی را به‌عنوان مظاهر مدنیت پذیرفت و تقلید کرد، اما با گذشت چند قرن و مرور اجتماعی‌گری توسعه کاملا مردسالارانه پذیرفته شد که زن نعمتها ناقص‌العقل و احساساتی است، بلکه مایه دردسر خودش و مردان است و صلاح در آن است که مستور بماند؛ زیرا زن موجب افزایش بار روانی مرد است «کل بلین او عورت است»؛ زن باید در حجاب کامل باشد و بهتر است در خانه زندگی نمود تا حد ممکن نه ناهمرجی را ببیند و نه با او همکلام شود و البته برای اعمال این ترتیب به خشونت نیز متوسل می‌شدند.

در ابتدای اسلام در موارد‌ی که زنان جزای جرائم‌ی چون تأمین زندگی خود نداشته باشند و ناچار بشوند به نظام حقوقی و قانون گذاشته که آنها را همچنان تحت‌الحمایه نگه دارد، بعد آنها را هم‌ردیف مرد قرار می‌دهد. البته زنانی هستند که در ازدواج به دلیل شخصیت و روحیه، منافع ایرا با حمایت خانواده پدری وارد چارچوبی و روابط برابری با شوهر خود می‌شود اما حقیقت این است که از نظر نظام حقوقی، روابط خانواده با مرد است و بر فرزندانش ولایت دارد. حتی زنی که برخاستگر و سلطه‌جو است و مرد خانواده را تحت اختیار اوست نیز قدرتی بیوتاش دارد؛ این قدرت به هر دلیل توسط شوهر به او تفویض شده و به راحتی قابل بازپس‌گرفتن است. شوهر می‌تواند فرزندانش را از او جدا کند، روابط و رفت و آمدش را به شدت محدود کند و برایش هوو بیاورد.

البته که زن مدرن نمی‌تواند ریاست مرد و این نابرابری قدرت در خانواده را بپذیرد. نمی‌تواند خود را در جایگاه یک کنیز بداند و با قانون خانواده مشکل دارد.

◆ حالا فقه برای اینکه در جامعه مدرن بتواند حضور داشته باشد، باید چه تدبیری کند؟

فقه امروزی بیشتر از اینکه بر اجتهاد و درک مقتضیات زمان امروز باشد، مبتنی بر روابط و نهادهای اجتماعی دوران گذشته است؛ درحالی‌که در صد سال گذشته ساختارهای کلان و نهادهای اجتماعی به‌شدت تغییر کرده‌اند. برای مثال فقه اقتصادی هنوز بخشی در احکام بردگان دارد. امروزه شاهد معاملات پیچیده مالی، تراست‌های بزرگ و بانکداری هستیم و این نیازمند آن است که از سوی فقها به آن پرداخته شود.

درباره نهاد خانواده نیز همین‌طور است. در چند دهه اخیر ساختار و کارکرد خانواده در ایران نیز مانند سایر جوامع تغییر کرده است؛ انتظار از ازدواج، روابط زوجین، تقسیم کار خانگی، دلایل فرزندآوری، تعداد فرزندان، سبک فرزندپروری و روابط والدین و فرزندان دگرگون شده‌اند؛ درحالی‌که احکام فقهی روابط زن و شوهر، پدر و فرزند، احکام نفقه، مهریه و ارث همگی متناسب با گذشته و جامعه‌ای است که در آن فرد در خدمت خانواده است، ریاست مرد بر خانواده و ولایت او بر فرزندان تمام روابط خانوادگی را جهت می‌دهد. از آن مهم‌تر اصل و نسب اولویت دارد، سلسله‌مراتب اجتماعی وجود دارد و...

اما اصل اول جامعه مدرن و امروزی برابری انسان‌ها و به رسمیت شناختن حق انتخاب آنهاست. انسان مدرن تبعیض را نمی‌پذیرد و نمی‌تواند به دلیل صفات غیراکتسابی مثل جنسیت، رنگ پوست، طبقه اجتماعی، وضعیت مالی و... او را از بخشی از حقوق انسانی‌اش محروم کند. روز به روز زنان بیشتری آزادی و قدرت انتخاب خود را مطالبه می‌کنند.

◆ یعنی فقه اگر می‌خواهد به عنوان ساماندهنده روابط اجتماعی جامعه مدرن مطرح باشد، باید مدرن شود.

بله. اینکه می‌گویم، اینکه باید چه کار کند، اول باید اصل برابری بین همه انسان‌ها را بپذیرفت. باید حقوق بشر را به رسمیت بشناسد و در حوزه حقوق زنان نیز برابری زن و مرد را بپذیرفت.

به این ترتیب عقدنامه بین زن و مرد یک نوع قرارداد حقوقی شراکت است که افراد می‌توانند بنداش متفاوتی درباره تعهدات مالی و کاری خود تنظیم کنند. شرط شراکت این است که تعهدات عادل و باثبات بدون اجرای قرارداد را بپذیرد. مانند هر قرارداد حقوقی دیگری دولت موظ رسیدگی به شکایات نقض تعهد و جرائم سرقت و در صورت آسیب‌دیدن یکی از طرفین در آن دخالت می‌کند. رابطه بین والدین و فرزندان نیز بایش بنیادی‌تر، زیرا فرزندان نیز دیگر جزء مایملک پدر نیستند و در صورت آسیب‌دیدن از دخالت دولت برخوردارند.

باید باز دیگر به دین مقدس قرآن بازگشت.

◆ چقدر اندیشه اسلامی نوگرا یا نواندیشی دینی را در مسئله زنان کارساز می‌دانید؟ آیا این رویکرد به فقه مدرن کمکی خواهد کرد؟

اندیشه‌مندان مسلمان در بارِ مسئله برابری جنسیتی، به رویکرد متفاوت گذرده‌اند. گروه اول که اکثریت هستند، رویکرد سنت‌گرا دارند. سنت‌گرایان مسلمان با استناد به «تفاوت‌های طبیعی زن و مرد» مناسبات جنسیتی سنتی را عادلانه و متناسب با طبیعت زن و مرد می‌دانند و هرگونه تلاشی برای تغییر الگوی خانواده سنتی و محافظه‌کار (مرد نان‌آور/زن خانه‌دار) را موجب سست‌شدن نهاد خانواده می‌بینند. تلاش می‌کنند ارزش‌های سنتی را با قالبی جدید مطرح کنند و از استناد به نتایج تحقیقات علمی و سخن انشمندان غربی هم ابایی ندارند. در جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی نظام در حوزه خانواده ازجمله قانون تشکیل خانواده و تحکیم آن و سایر قوانین بر اساس رویکرد سنت‌گرایی نوشته شده و قوانین مدنی ما نیز بر همین اساس است.

گروه دوم روشنفکران دینی و فمینیست‌های اسلامی هستند که در عین پایبندی به قرآن، به عقلانی‌بودن برابری حقوق بشر معتقدند و در حوزه زنان نیز خواهان برابری حقوق زنان و مردان هستند و احکام معارض را در متن دین را احکامی می‌داند که متناسب با مقتضیات زمان و شرایط عصر نزول بوده‌اند و امروزه با تغییر شرایط اجتماعی و با اجتهاد واقعی و متناسب با زمانه می‌توان معضل حقوق زنان را حل کرد. مثلا بینشوها مصاحبه مهریه برابر اساس قیمت روز یا شروط ضمن عقد یکی از اجتهادهای آنها بود.

گروه سوم فمینیست‌های مسلمان هستند که رویکردی سکولار دارد و دیس را در حوزه حقوقی اسلامی نقد می‌کنند و اصرار ندارند که مانند فمینیسم اسلامی تلاش کنند که نشان دهند نابرابری‌های موجود بین زنان و مردان در طول تاریخ حاصل اقتضائات زندگی سنتی یا شیوه کشاورزی است. رویکرد آنها عکس‌رایانه و رو به آینده است و برای مثال بینشوها حذف حلوالت ولایت بر زنان و او از جدا کردن روابط و رفت و آمدش را به شدت محدود کند و برایش هوو بیاورد.

البته که این مدرن نمی‌تواند ریاست مرد و این نابرابری قدرت در خانواده را بپذیرد. نمی‌تواند خود را در جایگاه یک کنیز بداند و با قانون خانواده مشکل دارد.

◆ حالا فقه برای اینکه در جامعه مدرن بتواند حضور داشته باشد، باید چه تدبیری کند؟

خودشان باقی ماند و در روابط خانوادگی مانند ازدواج و طلاق و قوانین ارث به آنان قدرت بیشتری داد. مشارکت سیاسی زنان را با بیعت بذیرفت و اشتغال زنان را تشویق کرد و در مواردی که شائبه خیانت وجود داشت، به مردان توصیه کرد به نیکی آنان را طلاق دهند. این اصلاحات در زمینه اجتماعی جاهلیت اصلاحات بزرگی بود و کلا رویه اصلی همین اصلاحات روابط موجود بود، نه انقلاب و براندازی و ساختن نظمی نو که مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت. در عصر پیامبر همین برخورد با برده‌داری نیز وجود داشت؛ ابتدا رفتار ملایم با بردگان و به رسمیت شناختن حقوق انسانی آنها توصیه شد و رفته‌رفته جامعه را در شرایطی قرار داد تا بردگان به طرق مختلف آزاد شوند.

◆ این رویکرد تا چه زمانی تداوم داشت؟

نظمی که در دهه‌های اول و دوم ظهور دین اسلام به‌عنوان سیره مسلمین وجود داشت، تحت دو عامل تغییر کرد: تأسیس امپراتوری و غلبه اخباری‌گری.

مسلمانان سرزمین‌های بسیاری را فتح کردند و در این فتوحات امپراتوری ایران را هم به خود ضمیمه کردند و در این فتوحات یافتند و امپراتوری جدیدی بنیان گذاشتند. اداره امپراتوری اقتصائاتی دارد؛ ازجمله به وجود آوردن سیستم اداری برای جمع‌آوری مالیات و ساماندادن نیروی نظامی و تدوین و مکتوب‌کردن قوانین و اجرای دقیق مطهای و مالی یکسان. در چنین شرایطی بسیاری از امور‌ی که بخشی از فرهنگ جاهلی پیشاسلام بود، ازجمله اصیت اصل و نسب و روابط سلسله‌مراتبی میان افراد به‌عنوان بخشی از فرهنگ اسلام مدون و اجرا شد و تفاوت میان اعراب و نومسلمانان و موالی و... شکل گرفت. تأسیس امپراتوری با رونق رده‌داری نیز همراه بود.

از قرن پنجم هجری هجری تحولات در مباحث فقهی آن‌چنان شدت گرفت که این نوع نگاه رویه ثابت شد؛ یعنی جای اتکه رجع فرقه گرائی در برابری مسلمانان به این دو رمز، هر چه رایج و برده و جعب و برب و غیرعرب مورد توجه قرار گیرد و اصل شود. نابرابری اجتماعی و فرهنگ جاهلی و فرودستی زنان به‌عنوان نظام اجتماعی مطلوب انگاشته شد. همان زمان موج بزرگی از احادیث جعلی شکل گرفت که شوهر و اعرابی اقوام عاد سازنده آنها زنان می‌دهد. تا آن را به عنوان سیره نبوی یا سیره امامان جا بیندازند؛ جعل‌هایی مثل حدیث حضرت زهرا که «بهترین خیر زیاری زن را این می‌داند که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را» یا مثلا رویات حجاب‌کردن حضرت زهرا در برابر مرد نابینا همه در این دوره شکل گرفت و تبدیل به نظریه مقبول مردان شد. در آیات قرآنی نیز هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن به میان می‌آید، زنان را نیز هم‌دوش مردان مطرح می‌کند. با دکتر فاطمه موسوی ویایه، دبیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی، در مورد کفتمان اسلامی درباره زن گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

ضرباهنگ «زن»، ظرف خالی کشورهای مسلمان

فاطمه زارع: جامعه و مردم همواره از قانون جلوتر بوده‌اند و این قانون بود که در دور سرعت تغییرات به آنها باخته است. «زن» به‌عنوان معضل همیشگی کشورهای مسلمان درحال‌توسعه در به وجود آوردن نقاط عطف تاریخی-اجتماعی تاثیر بسزایی داشته و دارد. این جنس همواره برای تحقق حقوق خود و رسیدن به برابری، جنگیده است و می‌جنگد.

کشورهای مختلف به تناسب فرهنگ، قوانین غالب و همچنین سطح خواست زنان در جامعه، تغییراتی در قوانین مربوط به زنان به وجود آوردند. پس تا حدی می‌توان چاره این معضل بین‌المللی را حداقل در مواردی بومی دانست. اما جمهوری اسلامی تا امروز برای بازاندیشی در این زمینه چه کرده است؟ به‌عنوان نماینده اندیشه اسلامی چه سهمی در نظریه‌پردازی‌های مربوط به حقوق زن یا قاعده‌گذاری‌های حقوقی بین‌المللی ذی‌ربط داشته است؟ در تحولات قانون‌گذاری داخلی تا چه اندازه پویا و به‌موقع و ارگذار در روند تحقق عدالت عالم شده است؟ فعالیت نهادهای مدنی و تلاشگران مستقل برای ارتقای حقوق زن تا چه میزان بوده و چه توفیقات و ناکامی‌هایی داشته است؟ چه برنامه‌های عملی و کاربردی را برای ارتقای جایگاه انسانی زنان تدوین و عملیاتی کرده؟ نهایتا در قبال روندهای انحرافی و نادرست چه مطالب منطقی و عالمانه و چه تدابیر ارثگذاری را به کار گرفته است تا جامعه بشری را از خطرات این حرکات ناصحیح بازدارد و اجماع بر مسیرهای صحیح و هماهنگ با کرامت انسان را شکل دهد؟

به نقل از دکتر صادق آیینه‌وند، جایگاه فعلی زنان در جامعه ناشی از نگاهی است که هیچ ارتباطی با اسلام ندارد و چیزی که ما دچارش هستیم. بدفهمی ناشی از تفسیر نادرست نصوص دینی است (نشست زن و معرفت تاریخی؛ دکتر صادق آیینه‌وند، پدر رشته مطالعات زنان در ایران). ایدئولوژی‌ها عموما راحت‌تر از آنچه از دور به نظر می‌رسد، دستمایه سوءاستفاده برخی می‌شوند و حکم‌هایی غلط اما با بار ارزشی ذیل لوای آنها راه می‌افتد. همان‌طور که آیینه‌وند می‌گوید: «ظلم احادیث جعلی به زنان، بیش از ظلم عصر جاهلیت است». چیزی که می‌تواند ایدئولوژی یا چهان‌بینی را از انحراف بازدارد، اولا شناخت درست از آن جهان‌بینی و ثانیا درک عمیق جامعه درگیر آن است. در این چهار دهه تلاش‌های بسیاری برای روشن‌کردن جهان‌بینی اسلام در مسئله زن شده است. هرچند این تلاش‌ها نتایجی داشته، اما هنوز در برخی از موارد مهم و بنیادین دچار کندی اصلاح قوانین هستیم. نواندیشی دینی در مسائل زنان که با یکی از زیرشاخه‌های خود تحت عنوان «فمینیسم اسلامی» شناخته‌شده‌تر است، راهکار جدی ایجاد نسبت شفاف و سالم بین زن و فقه است.

شهیندخت مولاوردی، فعال اصلاح‌طلب حقوق زنان و معاون امور زنان و خانواده در دولت یازدهم، در نشست زن، معرفت تاریخی و اندیشمندان معاصر، دراین‌باره می‌گوید: «مسئله گفتمان دینی و مسائل زنان از دغدغه‌های مهم جریان‌های مربوط به احیای اسلامی در سال‌های اخیر بوده است. به نظر اسپوزیتو، آنچه در این روند مهم به نظر می‌رسد، تبیین نسبت سنت با تحول است که در مباحثی مانند «نقش مذهب در سیاست و جامعه» نمود می‌یابد و یکی از مباحث مهم درباره مناسبات زن و مرد و به‌ویژه موقعیت و نقش زنان در جامعه بوده است». او درباره رویکرد نواندیشی این‌چنین توضیح می‌دهد: «رویکرد نواندیشی دینی سعی دارد روح زمانه را در اجتهاد در مبانی دخالت دهد. در گذشته زیست مردم ما سنتی بود و به همین دلیل قوانین موجود مورد اعتراض قرار نمی‌گرفت و وضعیت موجود، مطلوب تلقی می‌شد. در جامعه ما حدود ۵۰ سال پیش انتقاد چندانی از سوی زنان نسبت به وضعیت‌شان نمی‌شد؛ اما به مرور دنیای مدرن تعارضاتی به وجود آورد و اعتراضاتی نسبت به نابرابری‌های حقوقی و اجتماعی صورت گرفت. در اینجا شاهد بروز مسئله زن در جهان اسلام هستیم. رویکردی که مدنظر ماست، با نزدیک‌شدن به روح زمانه سعی می‌کند با مقایسه زمان حال و گذشته این مسئله را در اجتهاد در مبانی دخالت دهد. اگر این تلاش‌ها به نتیجه برسد، شاهد ثمرات خوبی در حوزه فقهی خواهیم بود که می‌تواند در برابر چهره‌ای که از جایگاه زن وجود داشته، چهره درخشانی از زن مسلمان ارائه دهد». مولاوردی نابرابری میان زن و مرد به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی و رویکرد نواندیشی را به دنبال سازگاری دین و مدرنیته می‌داند. او دراین‌باره می‌گوید: «ابوزید با بررسی آرای امام محمد غزالی و... نشان می‌دهد که آنها در دیدگاه‌های خود بعد اجتماعی زن را نادیده گرفته‌اند. این در حالی است که دیدگاه نواندیشی دینی در جهان معاصر معتقد است کوهم دین را باید از تجربه تاریخی اسلام تفکیک کرد و موضع انتقادی و معرفت‌شناسانه داشت و باب اجتهاد را در این زمینه باز کرد. این جریان، تفسیر عقلانی از دین را پیش‌شرط قوانین عادلانه قلمداد می‌کند. طرفداران اجتهاد در مبانی، معتقدند در دنیای مدرن می‌توانیم زیست دینی داشته باشیم و به غایت اصلی دین نزدیک شویم و دینداری در دنیای مدرن با توجه به سیره عقلانی، هم ممکن و هم مطلوب است. در واقع، این جریان به دنبال سازگاری بین دین و دنیای مدرن است».

پیروان این اندیشه و طرح مسئله نسبت حقوقی و فقهی با زنان گروه اجتماعی روزنامه «شرق» با اندیشه‌مندان این حوزه صحبت کرده است که در این پرونده مجموعه این دیدگاه‌ها را از نظر می‌گذرانید.

تصور عمومی با واقعیت حقوقی همخوانی ندارد

حضور زنان در اجتماع از مسائل مهم و از موضوعات قابل بررسی و پژوهش است؛ زیرا حضور در اجتماع از یک نیاز فطری انسان سرچشمه می‌گیرد. از همین رو، قرآن کریم در آیات مختلف این نیاز فطری را با سخط داده و حضور اجتماعی زنان را به رسمیت شناخته و در این زمینه همه مسائل اجتماعی مربوط به آنها را با معرفی زنان الگو بیان کرده است؛ زنانی که تبیین عملکرد آنها به خوبی می‌تواند مؤلفه‌ها و آداب اجتماعی زنان را در ابعاد گوناگون به طور دقیق و مطلوب مشخص کند. با وجود اهمیت فوق‌العاده این مبحث، فعالیت‌های علمی انجام‌گرفته در این زمینه (دیدگاه اسلام درباره وجوب و چگونگی حضور زنان در ابعاد گوناگون اجتماع) اندک و انگشت‌شمار بوده و اغلب به منابع روایی تکیه داشته‌اند. با دکتر احمد قدیری ایمانه گفت‌وگویی دراین‌باره انجام داده‌ایم که خواهید خواند.

◆◆◆

◆ با توجه به اینکه موضوع گفت‌وگو تفاوت حقوق زن و مرد در فقه و قانون است، اجازه دهید با این سؤال شروع کنیم که گفتمان قرآن درخصوص زن چیست؟

در بحث زن قرآن می‌توان مفصل صحبت کرد؛ چراکه آیات بسیاری در این زمینه وجود دارد. همان‌قدر باید عرض کنم که به طور مشخص نام سه سوره در قرآن مرتبط با زنان است. سوره «کوثر» که اشاره به حضرت فاطمه(س) دارد. سوره «مریم» و سوره «نساء» به معنای زنان. علاوه بر این زنان دیگری نیز در قرآن مورد تکریم واقع شده‌اند که در این خصوص می‌توان به آسیه همسر فرعون و نیز مادر حضرت موسی(ع) اشاره کرد.

اما فارغ از این موارد، در میان آیات قرآن، شاید بارزترین مصداق درخصوص همسانی زن و مرد، آیه ۳۵ سوره احزاب باشد. جایی که خداوند می‌فرماید: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

به این معنا که به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم کرده است.

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم در این آیه زن و مرد، پایه‌های هم در فضائل کنار هم آورده شده‌اند.

◆ آیا در قرآن به موضوع زن، خارج از چارچوب خانواده هم نگاه شده است؟

بله. همان‌طور که عرض کردم موضوع سوره کوثر خطش حضرت فاطمه(س) است که اقتضائات زیادی در مقام مادری یا همسری ایشان شده باشد. حضرت مریم(س) هم بکاره بودند و همسری نداشتند و شان و مقام ایشان به یک جایی متمایز شده است.

در حوزه آیات الاحکام نیز فراغ از برخی احکام ازدواج و طلاق که در چارچوب خانواده معنا پیدا می‌کند، بسیاری از احکام فردی زنان وجود دارد که به شخص آنان مرتبط است نه نقش‌شان در خانواده و جامعه.

◆ با وجود اینکه بیان می‌کنید در قرآن و فقه نگاه برابری به زن و مرد شده است، چه توضیحی درباره تبعیض‌های موجود میان حقوق زن و مرد دارید؟

تصور وجود تبعیض در حقوق زن و مرد، مهم‌ترین چالش نظری است. این حوزه است. از این باید گرد فردی موضوع را کار کنیم.

اولا وقتی در سؤال از گفته تبعیض استفاده می‌کنیم، باید در درجه نخست به معنای آن و در مرتبه بعدی به بار معنایی کلمه دقت داشته باشیم. تبعیض در ادهان امروز به تفاوت روا و ناعادلانه اطلاق می‌شود.

در بحث حقوق زن و مرد تفاوت وجود دارد اما تبعیض خیر. اینجا نمی‌خواهم بگویم چون احکام از جانب خداوند خلق و شارع است پس حق و عدل است. در حال حاضر موضوع صحبتم این نیست. می‌خواهم بگویم ممکن است حقوق و تکالیف دو صنف با دو فرد با هم متفاوت باشد اما تبعیض وجود نداشته باشد. مانند اینکه فردی در دیک روزانه مسئول نشر اخبار باشد و فردی دیگر مسئول تنظیم گزارش و مصاحبه. در اینجا ماموریت محوله به این دو کارمند متفاوت است اما تعادلانه و مصداق تبعیض نیست.

◆ لطفا مصداق واضح و موضوع شوید. نظرشما این است که حقوق مرد بیشتر از زن است، یا بیشتر است اما ناروا نیست؟

موضوع حقوق زن و مرد هم مانند خیلی از مسائل دیگر از تحقیق رساناهای حوزه فرهنگ و اجتماعی است. این تحریک به دو صورت خودمایی کرده؛ یکی بیان ناقص و بعدی است و قبضه یک حکم و دیگری برنگرمایی و تمرکز بر حقوق مردان و تکالیف زنان که موجب واروغنمایی فعالیت و تصور کلی می‌شود.

◆ این مواجهه رسانه‌ای دقیقا نسبت به کدام موضوع فقهی و حقوقی واقع شده؟

به عنوان مثال در موضوع ارث با چنین موضوع مواجه هستیم؛ جنانچه تصور عموم این است که مرد دو برابر زن ارث می‌برد و تمام. درحالی‌که نه مواد نقض آن را می‌دانیم و نه توجه داریم که از یک سو اگر ارث‌بری مرد اصولا دو برابر زن است، از سوی دیگر تکالیف مالی بسیاری هم بر دوش مرد گذاشته شده که پرداخت مهریه و نفقه ازجمله آن است. شما تصور کنید اگر قانونی بود که مردان می‌توانستند اموال زن را بگیرند و او را در زندان بیندازند، چقدر زنان برافروخته می‌شدند و از حق و حتی حیات پایمال‌شده خود می‌گفتند. اما هم‌اکنون هزاران زندانی مهریه داریم که تماما از جانب همسرانشان به این وضعیت گرفتار شده‌اند.

یا همین حکم فقهی جهاد و مصداق قانونی آن، سربازی، کافی است برای اینکه متوجه شویم جیفدر در تصورات خود نسبت به حقوق زن و مرد دچار اشتباهات ماحساتی شده‌ایم.

جهاد یا تمام مصائبش را در یک کلمه نبینید. جهاد که تنها بر مردان واجب است یعنی در معرض کشته و زخمی واقع‌شدن.

در سربازی هم این پسرها هستند که باید به عنوان نیروی آماده به خدمت باشند. اگر جنگ شود، اعزام می‌شوند و اگر صلح باشد باید منتظر و غربت نظام وظیفه عمومی را تحمل کنند و دو سال از جوانی خود را در مرز، پادگان یا مراکز حاکمیتی فعالیت کنند.

اگر این موارد را به عنوان مشتی از خروار در نظر نگیریم، نتیجه می‌شود همین تصورات غلطی که کوپی زن بهره‌ای از زندگی و آزادی نبرده است!

◆ درخصوص مواردی نظیر حضانت و حق طلاق توضیحی دارید؟ آیا چون مردان به سربازی می‌روند یا مهریه و نفقه پرداخت می‌کنند، باید حاکم علی‌الاطلاق و خانه و خانواده باشند؟

ابتدا باید توجه دهم که نکته اسلام به روابط زن و شوهر، نکته تعاملی و بر پایه محبت و شفقت است. اما مانند هر موضوع مهم دیگری که حقوق مخصوص به خود را هم دارد.

درخصوص شکر دیگر سؤال باید به دو نکته مهم دقت کرد که شرح می‌دهم. احکام و قوانین دو دسته‌اند؛ قواعد امری و تکمیلی. قواعد امری مواردی است که خلاف آن را نمی‌شود توافق کرد؛ اما قواعد فقهی یا حقوقی تکمیلی، صرفا «پیشنهاد» شارع یا قانون‌گذار است که امکان توافق طرفین به نحو دیگر وجود دارد. به عنوان مثال ممنوعیت تعدد زوج برای زن یک قاعده امری است. حتی لزوم مهریه برای زن نیز امری است و نمی‌شود که نباشد؛ اما چیزی که باید مراعات نمود تبعیض نبود ولو اندک، ولو عدالاستطاعه، ولو آنکه زن آن را در بدو ازدواج بپذیرد؛ اما حتما باید تبعیض وجود نداشته باشد تا ظلم زن رعایت شود و این هر باشد که صدای با همان مهریه را به زن پیشکش می‌کند.

جالب این است که بسیاری از احکام خانواده از نوع تکمیلی است. یعنی صرفا بسته پیشنهادی خدمت آمد اما زن می‌تواند تمام کرینه‌ها را به دلخواه خود و البته در صورت حصول توافق طرفین، به عنوان شرط ضمن عقد، تغییر دهد.

حق طلاق با مرد است؛ نفقه هم مصادیقش را شرح مشخص کرد؛ حضانت فرزند است و دختر نیز تا سن خاصی مثل پدر و مادر تعیین و تقسیم شده است اما در تمام این موارد زن می‌تواند در شرط ضمن عقد هم حق طلاق را بگیرد. هم میزان نفقه خود را تعیین کند و هم حضانت فرزندان را که البته جز قبول زحمت و هزینه نیست و به عهده یکبرد و شروط مادی و معنوی دیگری را تنت کند.

◆ بنابراین می‌فرمایید میان تصور عمومی و واقعیت‌های فقهی و حقوقی فاصله بسیاری وجود دارد.

بله. دقیقا همین‌طور است و متاسفانه عمومیت هم دارد. جنانچه هم مردان و زنان و هم مذهبی‌ها و غیرمذهبی‌ها، به راحتی تصور می‌کنند در اسلام حقوق مرد بیش از زن است و مصادیقی را نیز شاهد مثال می‌آورند.

فارغ از نکات مغفولی که در این دست تفاوت‌ها وجود دارد و چنان نمی‌شود، اجحاف متعددی نیز از جنگ حقوق بیشتر و مجازات کمتر، به مسئله مسلم زنان است که کمتر کسی اطلاع دارد و وقتی برای مخاطب بازکو می‌شود. اگر به این نتیجه نرسد که در برابرندی کلی، حقوق زن در اسلام بیش‌تر از دهان حقوق مرد است، حقوق آن را کمتر از مرد نیز نخواهد داشت.

از این رو بنده به نوبه خود سعی کرده‌ام در کتاب «جالش‌های حقوق‌شری در اسلام» به همین موضوع بپردازم که برای از مسائل را اکنون و اینجا بشرح داده‌ام.

◆ سؤال پایانی با موضوع نگاه و جریان فمینیستی در این اختصاص دهیم. نظر شما دراین‌باره چیست؟

نگاه فمینیستی و زن‌گرایانه در غرب، واکنشی طبیعی به سیر مسبوق به سابقه زن‌ستیزانه در غرب قرون وسطی، رسانس و عصر جدید است. زن در غرب یک نوع نگاه به حق مالکیت داشت و به حق رای. اکنون که اینها را دارد چرک حق زن و حتی انسان‌بودن دارند و تبدیل به مرد و بلکه کالا شده است. درحالی‌که در اسلام حق مالکیت زن رسمیت دارد و از مقام انسانی او حراست شده است. همچنین در مقوله حکومت، مشارکت سیاسی زنان نیز مانند مردان در قالب «بیعت» ظهور و بروز پیدا می‌کرد. بنابراین با وجود این که همه آنچه گفته شد، اساسا مقوله فمینیسم در ایران، یک موضوع تقلیدی، وارداتی و بی‌مناسبت که خاستگاه آن ناآگاهی نسبت